

بررسی روش تربیت عاطفی در قرآن کریم

با تأکید بر آیات سوره ی احزاب

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۱۲ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۶/۰۹)

فاطمه عسگری^۱

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

محمدعباسی^۲

دانش آموخته فلسفه تعلیم و تربیت

چکیده

مقاله‌ی پیش رو با رویکرد و روش پژوهش استنتاجی گردآوری شده‌است و هدف این نوشتار بررسی روش تربیت عاطفی در قرآن با تأکید بر آیات سوره احزاب می‌باشد. درحقیقت با وجود تناقضی که در نظرات مختلف دانشمندان و عالمان دینی و تعاریف اندیشمندان و روان‌شناسان غربی وجود دارد صحبت و بحث در این مورد بسیار دشوار می‌باشد و به بهترین تعبیر شاید بتوان گفت علت اختلاف نظر و وجود نظریات متعدد درباره تربیت عاطفی، ناشی از تعاریف گوناگون از این ساحت تربیتی و داشتن دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه است. تربیت عاطفی فرآیندی است برای ایجاد زمینه رشد و هدایت عواطف و هیجانات که در سوره احزاب به ارتباط بین ایمان قوی و تأثیر و غلبه هیجانات بر انسان اشاره میشود و همچنین الگوگیری از پیامبر در این زمینه را بیان می‌کند و از مؤمنین راستین و روحیه آنان سخن می‌گوید.

واژگان کلیدی: تربیت عاطفی، سوره احزاب، قرآن، روش تربیتی

^۱ نویسنده مسئول f.asgari.te@gmail.com

^۲ m.abbasi93@iau-arak.ac.ir

بخش اول: کلیات و مفاهیم اولیه

با گسترش علوم انسانی و به کارگیری آن در اجتماع اگر بگوییم یکی از مهم ترین موضوعات قرآن بحث تربیت و ارتباط انسان ها در تعامل با یکدیگر است گزاف نگفته ایم. جایگاه تعلیم و تربیت در جامعه کنونی با توجه به اقتضائات محیطی و مطابقت بسیاری از آیات قرآن و حتی روایات، با ابعاد وجودی انسان، از جهات متفاوتی قابل تحلیل است؛ بطوریکه با مطالعه آیات به طور دقیق می توان انواع ساحت های تربیت را که هر کدام پاسخ گوی انواع نیازهای بشری است را بررسی کرد و از جمع این ساحت های عقلانی، عاطفی، اجتماعی، سیاسی و.... به یک نظام پربار و عمیق تربیتی دست یافت و با تزریق آن به جسم و روح بشر، به تعادل شخصیتی رسید.

در این پژوهش علاوه بر بررسی و مطالعه روش های تربیت عاطفی در قرآن بر آیات سوره احزاب به طور گسترده تری پرداخته ایم و در واقع ضرورت و اهمیت این ساحت تربیتی را با استعانت از آیات دیگر و قرار دادن آن ها در در کنار روایات اسلامی بیان نموده ایم تا زمینه، جهت رشد و باروری ارزش های وجودی انسان فراهم شود. با تفکر در آیات و روایات می توان از وجود یک دستگاه تربیتی نظام مند و کاملاً قابل اجرا در حوزه تعلیم و تربیت پی برد که هر چه با دید بازتر و نگاه دقیق تر و جزئی تری پیش برویم مفاهیم بیشتری نصیب ما می شود که می توان آن ها را در مدارس و دانشگاه ها به عنوان اصل اساسی تربیت نسل ها به کار گرفت. در قرآن مقوله تربیت عاطفی به خوبی تبیین شده است و علاوه بر الگوی عملی شیوه پیامبر، که مبتنی بر قرآن بود، رابطه خدا با بندگان هم بر محبت و عواطف مبتنی است و در برنامه جامع تربیتی قرآن یکی از مهم ترین مبانی تعلیم و تربیت مبحث عاطفه است، به گونه ای که به عنوان یکی از توانایی ها و استعداد های هشت گانه انسان در کنار کنار عقل مطرح و توانمندی های گوناگون او را سبب می شود.

در همین باب این سؤالات مطرح می شود:

۱- مبانی و تعریف تربیت عاطفی از دیدگاه قرآن چیست ؟

۲- در سوره احزاب به کدامیک از روش های تربیت عاطفی پرداخته شده است؟

• روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پژوهش استنتاجی انجام شده است این روش تحقیق قدرت تحلیل نظریه را داراست و همچنین قدرت نظریه پردازی در حوزه تعلیم و تربیت را دارا می باشد با به کارگیری این شیوه در واقع حرکت از مقدمات به سوی نتایج و از گزاره های واقع نگرو بایدهای آغازین به سوی فنون تربیتی است

• مبانی کلی و تعاریف

• تعریف لغوی

عواطف ریشه در عطف دارد به معنای مهر و علاقه خویشی و قربت و شفقت (عمید ۱۳۲۷/۸۷۶)

در لغت گرایش های طرفینی و یا شیء به شیء دیگری را به ذهن متبادر می کند که با حب و علاقه یا کراهت و نفرتی همراه است و لذت و الم را به دنبال دارد و پایه آن را تمایلات تشکیل می دهد.

در آموزه های اسلامی عاطفه به معنای الفت مهربانی، عنایت، رحمت، شفقت، عفو و دوستی به کاررفته است و گاهی نیز به معنای رأفت و شفقت خاصی اطلاق می شود که بین أولو الأرحام وجود دارد. مهم ترین نکته در این بحث این است: انگیزه های نیرومندی مبتنی بر شناخت که اگر از سلطه و کنترل انسان خارج شود مناسبات فرد را به صورت غیرانسانی درمی آورد و به نوعی

زندگی فردی و اجتماعی فرد را تحت تأثیر مثبت یا منفی قرار می دهد (شریعتمداری ۱۳۷۹/۵۶) بنابراین بعد عاطفی، تمام گرایش ها و تمایلاتی را دربرمی گیرد که در رفتار انسان آگاهانه جلوه پیدا می کند این دو گروه در تفکر اسلامی در مهم ترین وجه خود به عنوان تولی و تبری از یکدیگر جدا و این تمایلات بعضی مثبت و بعضی منفی است (مکی ۱۳۸۹/۵۶) (آل عمران ۳۱) لذا پشتمان عقلائی و معرفت در آن الزامی است (حدید ۲۷) خداوند در دل های آنان که به دین خدا معرفت یافتند و از آن پیامبر پیروی کردند عاطفه، رحمت و رأفت و رهبانیت قرار داده است (جوادی آملی ۱۳۹۰/ج ۱۶)

• تعریف اصطلاحی

تربیت عاطفی فرایندی است منظم و هدفمند برای زمینه سازی رشد و هدایت عواطف و هیجان متربیان به نحوی که آن ها بتوانند با استفاده از این نیروی باطنی در مسیر درست گام برداشته و به قرب الهی نائل گردند. در ترجمه دانشمند نامی فلسفه تعلیم و تربیت آراس پیترز با نام "The emotions of education" آمده است:

"شاید بتوان گفت تربیت عواطف امکان پذیر نیست چرا که عواطف در شرایطی برانگیخته می شود که لزوماً ارتباطی با علم ادراک یا باور انسان ها ندارد در نهایت نتیجه می گیریم که مردم را می توان برانگیخت اما نمی توان عواطفشان را تحت تربیت درآورد." تربیت عاطفی با کانون احساسات آدمی یعنی قلب او سروکار دارد این جنبه از شخصیت انسان بسیار پیچیده و از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است به گونه ای که بسیاری از رفتار، افکار و تخیلات و تصمیمات روزانه ی انسان تحت تأثیر وضعیت عاطفی و حالات احساسی او است همچنین این بود تا حدود زیادی دیگر ابعاد وجودی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد. علامه طباطبایی در این مورد می گوید: اسلام تنها راه اخلاص در دین است و بر پایه حب خدا پایه گذاری شده است. (طباطبایی، ج ۳، ۲۹۰)

و قرآن که کتاب آسمانی این دین است با ترغیباتی که به تعلم مختلفه نموده، خود عهده‌دار تعلیم یک دوره کامل از معارف الهی کلیات اخلاق و فقه اسلامی گردیده (طباطبایی ۱۳۸۸/۱۴۳) و هدف این کتاب مبین این است که زندگی بشر را در شئون مختلفش نظام ببخشد و طوری تربیتش دهد که سعادت انسان را در دنیا و آخرت تضمین کند. (طباطبایی، ۱۳۸۶) همچنین سوره احزاب می‌بینیم که اراده به صورت مکمل، عواطف را پشتیبانی می‌کند و به عنوان نیروی درونی بعد از اندیشه و تفکر، ظاهر می‌شود؛ یعنی انسان پس از تجزیه و تحلیل و عاقبت اندیشی مصلحت و مفسده ها را تشخیص می‌دهد و سپس با انتخاب اصلح اراده، عاطفه شکل می‌گیرد. دخالت عقل و اراده سبب می‌شود که عاطفه به عمل مثبت و حتی اخلاقی تبدیل شود و به نوعی عاطفه تحت فرمان عقل، ظهور و تجلی می‌یابد لذا عاطفه با اراده تجلی دارد. (زینلی ۱۳۹۱/۲۱) در باور کلی، قلب کانون عواطف و در مقابل عقل کانون مشاعر و ادراکات است که در این سوره در آیه چهارم به آن اشاره شده است و در تفسیر نمونه اشاره شده که چون انسان یک قلب بیشتر ندارد باید دارای یک کانون عاطفی نیز باشد و مهر یک معشوق به دل گیرد. (مکارم، ج ۱۷، ۱۸۷)

علامه طباطبایی می‌گوید: اساساً تربیت اسلامی فرایند امداد متربی برای تحول پایدار شناختی است که به منظور ایجاد تغییرات در نگرش، گرایش و کنش فراهم می‌شود و لذا بستری لازم است که وجود ضعیف و مکتوم در فرایند ویژه به سمت قوت و فعلیت به حرکت در آید (علامه طباطبایی،

بخش دوم: بررسی آیات سوره مبارکه احزاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۲)

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۳)

در آیات ۳ و ۴ این سوره در تفسیر نور آمده است: "گرایش های قلبی و فطری انسان یک چیز بیشتر نیست و هر چه انسان بر خلاف آن بگوید یا عمل کند نفاق شخصی است نه اراده الهی. (قرائتی، ج) و همچنین در یک دل دو دوستی متضاد جمع نمی شود (پیروی وحی / پیروی کافران). نکته بعدی این است که تقوی انگیزه هدایت و بهره گیری از آیات است چنان که در آیه دوم سوره بقره آمده است: "هدی للمتقین"، "قرآن مایه هدایت پرهیزکاران است"؛ درست است که مرحله نهایی تقوا بعد از ایمان و عمل به دستورات خدا حاصل می شود ولی مرحله ابتدایی آن قبل از همه این مسائل قرار دارد چرا که انسان اگر احساس مسئولیت در خود نکند به دنبال تحقیق از دعوت پیامبران نمی رود و نه گوش به سخنان آن ها فرامی دهد، حتی مسئله دفع ضرر محتمل هم شاخه ای از تقوا است و بعد از تقوا و احساس مسئولیت نخستین وظیفه شستشوی دل از اغیار و ریشه کن نمودن خارهای مزاحم از این سرزمین است بعد بذرافشانی توحید و تبعیت از وحی الهی را شامل می شود نخست باید دیو را از درون جان بیرون راند تا فرشته در آید. و بعد از این مرحله می گوید به خدا توکل کن چرا؟ شاید چون مسیر سخت باشد و احساس ترس و نگرانی در درون تو به وجود بیاید.

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْيَتَّى تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ
وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي
السَّبِيلَ (۴)

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: انسان یک قلب بیشتر ندارد و این قلب جز عشق یک
معبود نمی گنجد و آن ها که دعوت به شرک می کنند و معبودهای متعدد دارند باید قلب های
متعدد داشته باشند تا هر یک را کانون عشق معبودی سازند، یک انسان سالم، شخصیت واحد و
خط فکری او واحد است. انسان به حکم این که یک قلب بیشتر ندارد باید دارای یک کانون
عاطفی باشد و مهر یک معشوق به دل گیرد. قلب واحد کانون اعتقادات واحد است و آن هم برنامه
عملی واحدی را اجرا می کند چرا که انسان نمی تواند حقیقتاً معتقد به چیزی باشد ولی در عمل از
آن جدا شود.

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ
فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أُولِيَائِكُمْ مَّعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي
الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۶)

در این آیه علامه طباطبایی می گوید اولی بودن پیامبر به این دلیل است که هر فرد ممکن است
تحت تأثیر شرایط و احساسات و عواطف تصمیم غلط بگیرد ولی پیامبر به دلیل علم و عصمت
دچار این نمی شود و خیر و صلاح جامعه اسلامی را در نظر دارد.

أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا
لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۹)

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ
تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا (۱۰)

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (۱۱)

در آیه دهم این سوره، زاغ به معنی کجی دید چشم است و دو وصف کجی چشم و رسیدن
جان ها به گلو کنایه از کمال چیرگی ترس است. من و مسلمانان در آن روز آن قدر ترسیدند که به
جان دادن افتادند که در آن حال چشم تعادل خود را از دست می دهد و جان به گلوگاه می رسد.

و در ادامه در آیه ی یازدهم می فرماید منافقین و بیمار دلان آن روز گمان هایی درمورد خدا
کرده اند. کلمه ابتلاء، زلزال و شده بیانگر این مطلب است. علامه می فرماید استعمال شدید در
محسوسات است ولی استعمال قوی تر غیر محسوسات است و به همین جهت برای خدای تعالی
قوی به کار برده می شود.

در ادامه تفسیر آیه می فرماید مؤمنین سخت امتحان شدند و از ترس دچار اضطرابی سخت گشتند
کلمه غرور یعنی کسی آدمی را به شری وادار کند که به صورت خیر باشد و این عمل او را غرور
می خوانند (غررتُ فلاناً: رگ خواب فلانی را پیدا کردم و توانستم فریض دهم). غره: غفلت در
بیداری. (علامه طباطبایی، ج ۹ / ۲۹۱)

مکارم شیرازی در نمونه می گوید لحظات بسیار سختی بر مسلمانان گذشت جان‌ها به لب رسیده بود منافقین در تکاپو بودند جمعیت انبوه دشمن و کمی مسلمانان آینده سخت و دردناکی در برابر دیدگان مسلمانان بود خدا خواست مسلمانان راستین را آزمایش کند.

ترسیم وضع بحرانی جنگ احزاب، قدرت عظیم جنگی دشمنان و نگرانی شدید بسیاری از مسلمانان و چشم‌های خیره شد و جان‌های به لب رسیده در این آیه بیان میشود.

خدا فرشتگان را به کمک فرستاد البته دلیلی در دست نیست که این جنود الهی ناپیدا رسماً وارد جنگ شده باشند بلکه قرائنی هست که نشان می‌دهد آن‌ها برای تقویت روحیه مؤمنان و دلگرمی آنان نازل گشته است. البته بعضی مؤمنان و شاید تازه مسلمانان از شدت ترس و اضطراب در این شرایط بسیار سخت و بحرانی که امتحان الهی بود تکان سختی خوردند " هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا (۱۱)

طبیعی است که انسان وقتی گرفتار طوفان‌های فکری می‌شود جسم او نیز از این طوفان‌ها برکنار نمی‌ماند در اضطراب و تزلزل فرومی‌رود بسیار دیده‌ایم که افرادی که ناراحتی فکری دارند مرتباً تکان می‌خورند و اضطرابشان در جسم کاملاً مشخص است. (مکارم شیرازی، ج ۱۷ / ۱۸۹)

منافقین و کسانی که بیمار دل بودند آن روز در باره خدا گمان‌ها کردند بعضی از آن‌ها گفتند کفار به‌زودی غلبه می‌کنند و بر مدینه مسلط می‌شوند و بعضی دیگر گفتند اسلام از بین می‌رود و اثری از دین نمی‌ماند بعضی دیگر گفتند جاهلیت دوباره جان می‌گیرد بعضی گفتند خدا و رسول مسلمانان را گول زدند و از این قبیل پندارهای باطل.

وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (۱۲)

وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَتِذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (۱۳)

وَ لَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَ مَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (۱۴)

وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَرَ وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (۱۵)

قُلْ لَّنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُمْ مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ إِذَا لَا تُمَتِّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۶)

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِن أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَ لَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا (۱۷)

بعضی فکر می کنند ما سرانجام شکست خواهیم خورد و ارتش دشمن با این قوت و قدرت پیروز می شود و وعده های پیامبر تحقق نخواهد یافت البته این افکار عقیده نیست بلکه یک وسوسه است که در اعماق دل های بعضی ها پیدا شده بود این آیات در مورد منافقین نیست این افکار آن هم در شرایط بحرانی و سخت برای افراد ضعیف الایمان و تازه مسلمان امر طبعی است. از این قسمت مشخص می شود ایمان ضعیف باعث می شود هیجان غالب بر محیط بر انسان اثر بگذارد. "الذین هم فی قلوبهم مرض" همان منافقان هستند و چه بیماری بدتر از نفاق انسان سالم و دارای فطرت الهی یک چهره بیشتر ندارد انسان های دوچهره و چند چهره بیمارانی هستند که در اضطراب و تضاد و تناقض گرفتارند بعضی مفسران گفته اند مراد از فتنه جنگ است که اگر به این گروه منافق پیشنهاد شود به زودی این دعوت را اجابت می کنند (مکارم شیرازی، ج ۱۷ / ۲۲۴)

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِاخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۸)

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِاللَّسِنَةِ كِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۹)

يُخْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابَ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْتَأْذِنُ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (۲۰)

اما منافقان نه تنها در کمک‌های بدنی بلکه در کمک‌های فکری نیز بخل می‌ورزند بغضی توأم با حرص روزافزون. آن‌قدر ترسو هستند که چشمانشان از حلقه بیرون زده، چون از ایمان درستی برخوردار نیستند و تکیه‌گاه محکمی در زندگی ندارند هنگام حوادث سخت کنترل خود را از دست می‌دهند گویی می‌خواهند قبض روحشان کنند اما بعد از جنگ با خشم به زبان تندوتیز سهم خود را از غنیمت می‌خواهند و ریشه بدبختی‌هایشان این است که ایمان نیاوردند.

با تفسیر این آیه شاید بتوان گفت از دست دادن کنترل به‌خاطر عدم توانایی در مدیریت احساسات است احساساتی چون ترس، نگرانی، اضطراب و خشم و... که دلیل اصلی و ریشه آن، نفاق و عدم ایمان است و هنگامی که در جامعه فتنه‌ای پیش می‌آید کنترل احساسات توسط عقل انجام می‌گیرد و در این موقعیت، مدیریت احساسات و عواطف افزایش می‌یابد. (مکارم شیرازی، ج ۱۷ / ۲۳۴)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ
كَثِيرًا (۲۱)

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا
زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (۲۲)

مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ
وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (۲۳)

لِّيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
غَفُورًا رَّحِيمًا (۲۴)

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْثِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ
قَوِيًّا عَزِيزًا (۲۵)

قرآن کریم در پایان این سخن از مؤمنان راستین و روحیه عالی و پایمردی و استقامت و سایر ویژگی های آنان در این جهاد بزرگ سخن می گوید مقدمه این بحث از شخص پیامبر که پیشوا و بزرگ و اسوه آنان بود شروع می کند بهترین الگو برای شما نه تنها در این میدان بلکه در تمام زندگی شخص پیامبر است روحیات آری او استقامت و شکیبایی و هوشیاری و درایت و اخلاص و توجه به خدا و تسلط او بر حوادث و زانو نزدن در برابر سختی ها و مشکلات هم الگو و سرمشق است این ناخدای بزرگ به هنگامی که سفینه اش گرفتار سخت ترین طوفان ها می شود کمترین ضعف و سستی و دست پاچگی به خود راه نمی دهد و هم ناخدا است و هم لنگر مطمئن این کشتی هم چراغ هدایت و مایه آرامش و راحت روح و جان سرنشینان. رهبر جامعه اسلامی خودش از هر گونه اضطراب و نگرانی به دور است و جز این که رهبر است نقطه امن و امید جامعه و امت است.

قرآن در آیه فوق این اسوه حسنه را مخصوص کسانی می‌داند که دارای سه ویژگی هستند امید به خدا و امید به روز قیامت در حقیقت ایمان به مبدأ و معاد انگیزه این حرکت است.

درباره ابتلاء و امتحان می‌توان گفت ابتلا و امتحان یک مدرسه تربیتی و سازندگی است یعنی در واقع آزمایش‌های الهی حلقه‌ای از زنجیره آموزش و تربیت است که می‌تواند پایه‌های موفقیت و پیشرفت انسان را فراهم آورد از جمله مواردی که متون دینی به آن اشاره دارد:

۱- **کمال و ارتقا درجه:** پیامبر فرمودند: "إن الرجل ليكون له درجة عند الله و لا يبلغها بعمله حتى يبطل ببلاء في جسمه فيبلغها بذلك" (محمدری شهری _ میزان الحکمه)

۲- **محبت الهی:** رسول خدا فرمودند: "اذا احب الله عبدا ابتلاه فاذا احبه الله الحب الباغ افتناه، قالوا: و ما افتناوه؟ قال لا یرک مالا و ولداً"

۳- **پاکی از گناه:** امیرالمومنین علی (ع) فرمودند: "الحمد لله الذي جعل تمحيص ذنوب شيعتنا في الدنيا بمحتهم" شهید مطهری در در عدل الهی درباره اثر تربیتی ابتلا می‌نویسد سختی و گرفتاری هم تربیت کننده فرد و هم بیدار کننده ملت‌هاست سختی بیدار سازنده ی انسان‌های خفته و تحریک کننده عزم‌ها و اراده‌ها است، شدايد همچون صیقلی که به آهن و فولاد می‌دهند هر چه بیشتر با روان آدمی تماس می‌گیرد او را مصمم تر و برنده تر می‌کند زیرا خاصیت حیات این است که در برابر سختی‌ها مقاومت کند و به صورت خود آگاه یا ناخود آگاه آماده مقابله با آن گردد. (شهید مطهری، عدل الهی، ۱۸۱)

نتیجه گیری

با فرایندی که طی شد اولین گام تربیت عاطفی را می توان ایمان و تقوا نام برد و سپس تنظیم رفتارها و کنترل هیجانات و مدیریت آن ها و در مراحل بعدی نیز ایجاد روحیه و انگیزه و استقامت و پایداری تا رسیدن به هوشیاری و درایت و استقامت در برابر مشکلات و سختی ها و نیز در مرحله آخر از الگوسازی نام برد، تا این نتیجه حاصل شود که هر گونه اضطراب و نگرانی و استرس از انسان دور شود و با آرامش و راحت روح در مسیر تقرب به خدا گام بردارد.

در نتیجه تربیت عاطفی اسلامی باید حاوی فرآیند پرورش عواطف و انتقال آن به مرحله اراده باشد که باعث التزام قلبی به رفتاری شود که براساس معرفت و تعقل شکل گرفته است (صنوبری، ۱۳۹۰)؛ این فرایند ضمن پرورش تدریجی عواطف فراگیر را از سطوح ابتدایی و سطوح عالی عاطفی انتقال می دهد و میزان رغبت به حد رفتار و نوع ادراکات قلبی بستگی دارد به گونه ای که اگر عاطفه شدت یابد جاذبه انسان نسبت به موضوعی که قلب انسان ادراک کرده افزایش می یابد و به اراده تبدیل می شود با این مبنا، تربیت عاطفی در روند زندگی فردی و جمعی انسان ها با هماهنگی بین عقل و عاطفه، تعادل روحی ایجاد می کند و سلامت انسان ها را شامل می شود.

تربیت عاطفی راهی برای شناخت توان عاطفه در اجتماع برای تعدیل مدیریت و تصمیم سازی منطقی در کشمکش ها و سختی ها است و همچنین ایجاد امنیت در پرتوی عطوفت را پوشش می دهد که به طور عملی در سیره رسول اجرایی می شود و تمام یأس دشمنان را در فتح به امید و امنیت لازم بر جامعه حاکم تبدیل می کند: (الا لبئس جیران النبى كنتم لقد كذبتم و طردتم و اخرجتم و آذیتم ثم ما رضیتم حتی دخلتمونی فی بلادی تقاتلوننی فاذهبوا و انتم الطلقاء) (طبرسی ۱۴۲۴، ج ۹ و ۱۰ / ۷۱۲)

و هم این که رهبر جامعه اسلامی خود از هر گونه اضطراب و نگرانی به دور است و مایه آرامش انسان‌هاست و جز این که رهبر جامعه اسلامی است نقطه امن و امید امت است.

بنابراین با اشارات قرآن در دیدگاه اسلام در تربیت عاطفی مهم‌تر از اصل شناخت جهت‌گیری عواطف است که باید به سوی کمال مدیریت سور مختلف و مخصوصاً در آیات سوره احزاب، عاطفه انسانی و به کارگیری روش صحیح تربیت عاطفی عامل رسیدن به رشد و کمال و درنهایت الگوسازی در سطح تمدن اسلامی خواهد شد با عنایت به این که در تصمیم‌گیری‌ها در مواقع مهم و شرایط دشوار زندگی احساسات را با پیروی و یکی کردن با عقل مدیریت نمود و از غلبه هیجانات ناپایدار جلوگیری کرد. و به‌طور کلی این مطلب به ما منتقل می‌شود که در تربیت عاطفی مهم‌تر از اصل شناخت جهت‌گیری عواطف است که باید به سوی کمال مدیریت شود "سَنُزِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...." (فصلت / ۵۳)

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- طباطبایی محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۲۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳- قرائتی محسن، تفسیر سوره احزاب، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۹۱.
- ۴- جوادی آملی عبدالله (۱۳۷۳)، تسنیم، جلد بیست ۲۲، قم بنیاد اسراء
- ۵- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ج ۱۷.
- ۶- نصرالدین طوسی، محمد بن محمد، شرح الاشارات و التنبیها، ج ۲، قم بوستان کتاب.
- ۷- مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا
- ۸- محمدی ری شهری، میزان الحکمه
- ۹- شریعتمداری علی، تعلیم و تربیت اسلامی، جلد چهاردهم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- مقاله سازمان دهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه های قرآنی، محمد نجفی، زهره متقی،
کمال نصرتی هشی
- ۱۱- مقاله بررسی مفهوم، اصول و روش های تربیت عاطفی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، فاطمه
زینعلی، شهناز شهریاری نیسانی، محمد نجفی، حسن علی بختیار نصرآبادی